

الله أكبر

١٤٣١٩ - ٢٠١٨ ع. ت.



دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
گروه اقتصاد

پایان نامه

برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

عنوان

بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲

استاد راهنما

دکتر محمد باقر بهشتی

استاد مشاور

دکتر جلیل نائیبیان

موسسه تحقیقاتی و آموزشی
توسعه اقتصادی

پژوهشگر

۱۳۸۸/۵/۱۵

حمیدرضا زکی زاده

بهمن‌ماه ۱۳۸۸

۱۴۰۳۱۶

تقدیم به:

همه آزاد مردان ایران زمین که

قلبشان آکنده از عشق به میهن

بوده،

هست

و خواهد بود.

تقدیر و تشکر

با تشکر و قدردانی فراوان از:

استاد راهنمای گران قدرم، دکتر بهشتی، کسی که حق گویی و حق شناسی اش همواره الگوی من در زندگی خواهد بود. این پایان نامه نتیجه اشراف و در عین حال سعه صدر ایشان است.

استاد مشاور بی نهایت دلسوزم، دکتر نائیبیان که رابطه حقیقی استاد و شاگردی را به من آموخت. این دلگرمی های ایشان بود که این پایان نامه را به آخر رساند.

استاد داور محترم دکتر پناهی که با دقت وافر و بلند نظری اینجانب را در به انجام رسانیدن این پایان نامه همراهی کردند.

پدر و مادر عزیزم، اسوه های ایثار و از خود گذشتگی در زندگی ام، هر چه دارم از برکت وجود آن- هاست.

و همسر مهربانم که مشوق و بزرگترین پشتیبان من در به پایان رسانیدن این پایان نامه بود. آنچه او کرد، خدمتی بود بدون هرگونه چشم داشت.

در پایان بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید دانشکده به ویژه استاد بزرگوار دکتر تقی زاده (مدیر فرهنگی اسبق دانشگاه)، دکتر سلمانی و دکتر صادقی و همچنین تمامی کارمندان دانشکده و نیز دوستان بسیار صمیمی ام در دانشگاه و کانون های فرهنگی دانشگاه تشکر نمایم.

نام خانوادگی: زکی زاده	نام: حمیدرضا
عنوان پایان نامه: بررسی شاخص های توسعه اقتصادی ایران در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲	
استاد راهنما: دکتر محمد باقر بهشتی استاد مشاور: دکتر جلیل نائیبیان	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: اقتصاد
دانشکده: علوم انسانی و اجتماعی	گرایش: توسعه و برنامه ریزی
تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ماه ۱۳۸۸	
تعداد صفحات: ۱۶۸	
کلید واژه ها: اقتصاد ایران، توسعه اقتصادی، حکمرانی خوب، مصدق، نفت	
<p>چکیده: در راستای بومی سازی الگوهای توسعه، بررسی تاریخ اقتصادی کشور امری ضروری است. در این پژوهش دوره ۲۸ ماهه نخست وزیری دکتر مصدق مورد بررسی قرار گرفته است. در این دوره ملی شدن صنعت نفت و به دنبال آن تحریم بین المللی ایران و از دست دادن درآمد نفت شرایط ویژه ای را در اقتصاد سیاسی ایران ایجاد کرده بود.</p> <p>سیاست اقتصاد بدون نفت و افزایش صادرات، جهت مقابله با کاهش درآمد و کمبود ارز که در آن مقطع در پیش گرفته شد، الگوی مناسبی برای دولت مردان ایرانی جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت است.</p> <p>مسئله کم سابقه دیگری که در این مقطع مهم رخ داد اصلاحات اجتماعی، آزادی بیان و مطبوعات و حکومت دمکراتیک بود که مصدق توانست در ایران پیاده کند که اهمیت این دوره را به لحاظ شاخص های توسعه اقتصادی دوچندان می کند.</p> <p>این پژوهش در عین نظر داشتن به مکتب اقتصادی رایج آن مقطع (مکتب تاریخی) و شرایط ویژه حاکم بر جامعه ایرانی در آن دوره، به تحلیل دوره نخست وزیری دکتر مصدق با توجه به الگوها و شاخص -</p>	

های جدید پرداخته است و الگوی حکمرانی خوب که یکی از جدیدترین الگوهای جهانی حکومت‌داری است به‌عنوان معیار انتخاب شده است.

این پژوهش کاربردی- توصیفی بر محور تحلیل داده‌های ثانویه استوار شده و بر مبنای منابع معتبر و متکی بر اطلاعات کتابخانه‌ای، اسناد است. تحلیل اطلاعات به‌دست آمده و بررسی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی این دوره از منظر شش شاخص الگوی حکمرانی خوب به صورت کیفی انجام شده است و در پایان به این نتیجه رسیده است که دولت مصدق در چهار شاخص حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و مبارزه با فساد وضعیت رو به بهبود و در دو شاخص ثبات سیاسی و عدم خشونت و کیفیت مقررات تنظیمی وضعیت نه چندان مطلوبی داشته است؛ که با توجه به شرایط ویژه آن دوره و سیاست‌های سفارش شده مکتب تاریخی، عدم تطابق دو شاخص اخیر با حکمرانی خوب قابل توضیح است. بنابراین در مجموع دولت مصدق به لحاظ شاخص‌های حکمرانی خوب با توجه به شرایط آن دوره از وضعیت خوبی برخوردار است و شاخص‌های توسعه اقتصادی ایران از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب در دوره نخست‌وزیری مصدق بهبود یافته است.

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات

۱	۱-۱ مقدمه
۲	۲-۱ بیان مسأله
۲	۳-۱ ضرورت و اهمیت موضوع
۵	۴-۱ سؤال‌های اساسی تحقیق
۶	۵-۱ مفاهیم و متغیرهای تحقیق
۶	۱-۵-۱ حق اظهار نظر و پاسخگویی
۶	۲-۵-۱ ثبات سیاسی و عدم خشونت
۷	۳-۵-۱ اثربخشی دولت
۷	۴-۵-۱ کیفیت مقررات تنظیمی
۷	۵-۵-۱ حاکمیت قانون
۸	۶-۵-۱ مبارزه با فساد

فصل دوم: مرور ادبیات تحقیق

۹	۱-۲ پایه‌های نظری
۱۰	۱-۱-۲ مکاتب اقتصادی رایج
۱۰	۲-۱-۲ حکمرانی خوب
۱۲	۲-۲ پیشینه‌ی تحقیق
۳۲	۳-۲ مدل تحلیلی تحقیق

فصل سوم: روش‌شناسی تحقیق

۴۳	۱-۳ نوع تحقیق از نظر هدف
۴۴	۲-۳ نوع تحقیق از نظر جمع‌آوری آمار و اطلاعات
۴۴	۳-۳ ابزار گردآوری آمار و اطلاعات
۴۴	۴-۳ جامعه آماری

۴۴ ۵-۳ روش تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات

۴۶ **فصل چهارم: وضعیت عمومی ایران در سالهای ۳۰-۱۳۲۰**

۴۷ ۱-۴ مقدمه

۴۷ ۲-۴ اوضاع اقتصادی

۵۸ ۳-۴ جمع‌بندی

۶۰ **فصل پنجم: وضعیت اقتصادی ایران طی سالهای ۳۲-۱۳۳۰**

۶۱ ۱-۵ مقدمه

۶۵ ۲-۵ حق اظهار نظر و پاسخگویی

۷۱ ۳-۵ ثبات سیاسی و عدم خشونت

۷۶ ۴-۵ اثر بخشی دولت

۹۲ ۵-۵ کیفیت مقررات تنظیمی

۱۰۵ ۶-۵ حاکمیت قانون

۱۰۹ ۷-۵ مبارزه با فساد

۱۱۴ **فصل ششم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها**

۱۱۵ ۱-۶ حق اظهار نظر و پاسخگویی

۱۱۶ ۲-۶ ثبات سیاسی و عدم خشونت

۱۱۷ ۳-۶ اثر بخشی دولت

۱۱۹ ۴-۶ کیفیت مقررات تنظیمی

۱۲۱ ۵-۶ حاکمیت قانون

۱۲۲ ۶-۶ مبارزه با فساد

۱۲۲ ۷-۶ مکتب تاریخی

۱۲۴ **فصل هفتم: خلاصه، نتیجه و ارائه‌ی پیشنهاد**

۱۲۵ ۱-۷ نتیجه

۱۲۷ ۲-۷ پیشنهاد به پژوهشگران بعدی

۱۲۷ ۳-۷ پیشنهاد به سیاست‌گزاران

۱۲۸	بیوست (جدولها):
۱۵۹	فهرست منابع مورد استفاده
۱۵۸	الف - منابع فارسی
۱۶۶	ب - منابع انگلیسی

پیشگفتار

در سال ۱۳۳۰ که صنعت نفت در سراسر کشور ملی شد، وابستگی اقتصاد ایران به درآمد نفت سابقه‌ای طولانی نداشت و تنها از سال ۱۳۲۰ به بعد، جهت تأمین کسری روزافزون بودجه دولت و تأمین کالاهای مورد نیاز کشور از خارج، اهمیت بیشتری یافته بود. به نحوی که در سال ۱۳۲۹ درآمد نفتی ۱۳ درصد درآمد دولت و حدود ۶۴ درصد دریافتی ارزی کشور را تشکیل می‌داد.

دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر وقت در فروردین ۱۳۳۱، اصول کلی این سیاست‌ها را به شرح زیر اعلام نمود: «۱- تجدید نظر در اقدام بودجه برای تعدیل و توازن آن ۲- تجدید نظر در قوانین مالیاتی برای ازدیاد درآمد ۳- تخصیص اعتبار کافی برای فعالیت‌های تولیدی ۴- تجدید نظر در سازمان‌های اداری به منظور کاهش هزینه ۵- لغو مقرراتی که مانع از فعالیت‌های اقتصادی افراد است ۶- تنظیم برنامه برای استفاده از پرسنل بیکار و تأسیسات و تجهیزات شرکت ملی نفت جهت فعالیت‌های تولیدی.»

سیاست‌های برنامه اقتصاد بدون نفت دولت ایران طی سال‌های ۳۲-۱۳۳۰ را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: اولاً بررسی نتیجه و دستاورد این سیاست‌ها، ثانیاً مطالعه سیاست‌ها در چارچوب یک الگوی توسعه.

در این پژوهش کوشش شده، برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی دکتر مصدق، در چارچوب شاخص‌های حکمرانی خوب سنجیده شود و میزان سازگاری و مناسبت سیاست‌ها با اهداف کلی این الگوی توسعه مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور سعی شده ابتدا گزارشی از ویژگی‌های دوره مربوطه ارائه شود و سپس سیاست‌های اتخاذ شده در آن زمینه معرفی گردد و بر این مبنا میزان مناسبت و سازگاری سیاست‌ها با شرایط اقتصادی

کشور و همچنین با شاخص‌های کلی الگوی مورد نظر تعیین گردد، در عین حال شرایط خاص زمانی و مکانی و اندیشه‌های اقتصادی حاکم بر جهان در آن مقطع تاریخی نیز مد نظر بوده است.

اگرچه در این تحقیق تمرکز بر سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲؛ یعنی دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق بوده است، ولی بررسی دقیق مسائل این دوره، مستلزم بررسی شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دهه ۱۳۲۰ می‌باشد که به صورت اجمالی به آن اشاره شده است. در این دهه ایران حوادث زیادی به خود دیده است که بررسی آن مقطع به درک و بینش ما نسبت به اوضاع سال‌های بعد کمک می‌کند.

این پژوهش در هفت فصل تدوین شده است. فصل اول، به کلیات پرداخته است، در فصل دوم ادبیات تحقیق مرور شده است. فصل سوم به روش شناسی تحقیق اختصاص یافته است. در فصل چهارم به بررسی اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران از زمان اشغال در سال ۱۳۲۰ تا شروع نخست‌وزیری مصدق در سال ۱۳۳۰ اختصاص یافته است، وضعیت عمومی کشور در سال‌های اشغال و پس از آن، اوضاع کشاورزی و صنعت و نفت، سیاست‌های بازرگانی و ارزی، اولین برنامه عمرانی کشور و بالاخره میزان و تأثیر نفوذ انگلیس در ساختار اقتصادی-سیاسی ایران از موضوعاتی است که در فصل چهارم به آن‌ها پرداخته شده است.

فصل پنجم به بررسی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی مرتبط با اقتصاد در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و معدن، بازرگانی خارجی، بودجه دولت، نقش دولت در اقتصاد، چگونگی رابطه با خارجیان، مبارزه با فساد و قانون شکنی و عدالت اجتماعی در دوره نخست‌وزیری مصدق اختصاص داده شده است که ذیل شاخص‌های حکمرانی خوب دسته‌بندی شده‌اند. در فصل ششم یافته‌ها از منظر حکمرانی خوب

تجزیه و تحلیل شده‌اند و مقایسه تطبیقی بین شاخص‌های حکمرانی خوب و آراء مصدق صورت گرفته است
و فصل هفتم و پایانی این تحقیق نیز به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد پرداخته است.

فصل اول

کلیات

گذشته چراغ راه آینده است، برای خیز برداشتن به جلو باید چند گام به عقب برگشت تا بتوان جهش بلندتری داشت.

مطالعه تاریخ از ضروریات علوم انسانی است که متأسفانه خیلی جدی گرفته نمی‌شود. نیاز به مطالعه آنچه تا به حال بر اقتصاد کشورمان گذشته بی‌شک به اندازه نیاز به پیش‌بینی‌های معمول اقتصادی ضروری است.

در دوره‌های مختلفی از تاریخ معاصر تلاش‌های زیادی جهت توسعه ایران و بهبود شاخص‌های توسعه کشور صورت گرفته است و بسیاری از شرایط تاریخ یک‌صد سال گذشته - از مشروطه به بعد - مشابه شرایط کنونی است. بررسی و واکاوی دلایل موفقیت و معمولاً عدم موفقیت این تلاش‌ها، روشنگر بسیاری موضوعات مطرح در زمان حاضر و راهگشای تصمیمات آینده ماست.

در این راستا به بررسی دوره پر حادثه و سراسر آموزنده نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق - اردیبهشت ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲ - با تمرکز بر سیاست‌های اقتصادی اعمال شده وی خواهیم پرداخت.

۱-۲ بیان مسأله

پیاده‌سازی الگوهای رایج توسعه اقتصادی در جهان، بدون بومی کردن و تطبیق این الگوها با شرایط جوامع تلاشی بیهوده خواهد بود؛ چراکه شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع متفاوت از یکدیگر است، برای اطلاع از این اختلاف‌ها و آگاهی از شرایط متفاوت هر جامعه، مطالعه تاریخ آن کشور امری ضروری است. بنابراین در ایران نیز برای بومی‌سازی درست الگوهای توسعه اقتصادی باید به بررسی دقیق تاریخ اقتصادی کشور پرداخت.

یکی از مهم‌ترین مقاطع تاریخ اقتصادی کشور، دوران دو ساله نخست‌وزیری دکتر مصدق است. دوره ۲ ساله ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ به لحاظ توسعه اقتصادی دوره ویژه‌ای در تاریخ ایران می‌باشد. در این ۲ سال ناسیونالیسم ایرانی به شکلی مشهود در راستای خودکفایی و بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم ایران به کار گرفته شد.

مهم‌ترین اتفاق دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق ملی شدن صنعت نفت ایران بود که تمامی سیاست‌های این دوره را تحت الشعاع خود قرار داده بود. ملی کردن صنعت نفت تلاش ایرانیان جهت کوتاه کردن دست استعمار از کشورشان بود. مصدق رهبر این حرکت مردمی از سال‌ها قبل این حرکت را رهبری کرده بود؛ اما شرایط ویژه و سخت حاکم بر ایران در آستانه ملی شدن صنعت نفت، او را مجبور به پذیرفتن سمت نخست‌وزیری کرد.

مصدق نخست‌وزیر و نفت ملی شد، استعمار پیر کمر بر ساقط کردن حکومت ملی بسته بود. تحریم‌های گسترده نفتی و نیز سایر تحریم‌های اقتصادی انگلستان و هم‌پیمانانش که جهت به زانو درآوردن حکومت ملی برقرار شده بود تنگناهای بسیاری برای دولت مصدق به وجود آورد. عدم خرید نفت، اقتصاد کشور را به طور کامل از درآمدهای نفتی محروم کرد.

در آذرماه ۱۳۳۰ به دلیل این که از طرفی مذاکرات دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران به بن‌بست رسید و از طرف دیگر به دلیل عدم تمایل دولت آمریکا به اعطای کمک‌های مالی و اقتصادی و همچنین جهت مقابله با مشکلات ناشی از تحریم انگلستان، دولت مصدق سیاست اقتصاد بدون نفت را درپیش گرفت.

سیاست اقتصاد بدون نفت یک برنامه مدون و از پیش تعیین شده نبود بلکه انتخابی ناگزیر جهت تطبیق با شرایط ویژه محسوب می‌شد. محور اصلی استراتژی فوق، افزایش تولید برای صادرات و تحصیل

ارز بود. سیاست‌های اتخاذ شده دو هدف کلی را دنبال می‌کرد: یکی افزایش سریع رشد تولید داخلی به ویژه در زمینه کشاورزی و صنعت و دیگری کاهش نابرابری‌های اجتماعی.

از آنجا که در سال‌های اخیر بحث اقتصاد بدون نفت در سیاست‌های اقتصادی کلان کشور جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، به طوری که قطع وابستگی به دلارهای نفتی از اصول برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله می‌باشد. بررسی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ که دولت عزمی راسخ جهت جایگزینی سایر درآمدها به جای درآمدهای نفتی داشت و تنها سال‌هایی در دوران مدرنیزاسیون ایران است که کشور بدون صادرات نفت و با اقتصادی کاملاً بدون نفت اداره شد، کمک زیادی به هموار شدن راه استقلال از دلارهای نفتی در آینده خواهد بود.

مسئله بسیار مهم دیگر که اهمیت ویژه‌ای به این دوران می‌دهد اصلاحات اجتماعی کم‌سابقه‌ای بود که دولت مصدق بدان دست زد؛ از جمله آزادی مطبوعات، فعالیت گسترده احزاب، تصویب قوانین تأمین اجتماعی و تلاش جهت دموکراتیزه و مردمی کردن حکومت. از این جهت دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق دوره ویژه‌ای به لحاظ شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه ایرانی است. بررسی سیاست‌ها و اصلاحات اجتماعی کم‌سابقه این دوره و نتایج حاصل از این سیاست‌ها در شرایط فعلی بسیار آموزنده است؛ به ویژه که مباحث مربوط به آموزش، بهداشت، دادگستری، قوانین کار و همچنین آزادی‌های اجتماعی به خصوص در زمینه مطبوعات و احزاب، دغدغه همیشگی جامعه ایرانی از یک‌صدسال گذشته بوده و هست. بدین جهت بررسی شرایط اجتماعی آن دوران مورد مذاقه قرار گرفته است.

۳-۱ ضرورت و اهمیت موضوع

هرچند مطالعات و پژوهش‌های بسیاری به بررسی دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق پرداخته‌اند؛ اما پژوهش‌هایی که از منظر اقتصاد به آن دوره نگاه کرده‌اند از تعداد انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند، این پژوهش‌ها معمولاً دارای دو رویکرد متفاوت‌اند:

الف): برخی مطالعات سیاست‌های دکتر مصدق و عملکرد وی را در ظرف زمانی همان دوره دیده‌اند و نیازی به گسترده‌تر دید خود تا به امروز احساس نکرده‌اند، به طوری که سیاست‌های نخست‌وزیر وقت را از زاویه شاخص‌های مکاتب اقتصادی رایج جهانی در همان مقطع تاریخی سنجیده‌اند. چنین رویکردی در عین حال که بسیار مفید و مثمر است و زوایای متعددی از سیاست‌های اقتصادی آن دوران را روشن می‌سازد؛ اما ایرادی دارد و آن این است که به هر حال شاخص‌های اقتصادی آن مکاتب با تجربیات بشر و پیشرفت مداوم علوم انسانی دست‌خوش تغییرات، تحولات و تصحیحاتی گشته و بسیاری از آن شاخص‌ها مقلوب و بلکه منسوخ شده‌اند و بنابراین ملاک قراردادن آنها بدون توجه به مسائل علمی روز ممکن است تحلیل درستی را به پژوهش‌گر ندهد.

ب): اما برخی دیگر صرفاً از منظر شاخص‌ها و الگوهای فعلی جهانی به آن دوره نگریسته‌اند و بدون نگاه به مکاتب و نظریات غالب آن دوران و شرایط ویژه آن زمان به بررسی آن دوره پرداخته‌اند که معمولاً این‌گونه مطالعات نتیجه‌گیری درستی در بر ندارد و از واقعیات به دور است.

بنابراین کمبود پژوهشی احساس می‌شود که در عین نظر داشتن به نظریات اقتصادی غالب جهانی و شرایط ویژه آن دوران، به تحلیل دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق با توجه به الگوها و شاخص‌های جدید و به‌روز شده جهانی بپردازد؛ چراکه شاخص‌های اخیر ملاک دقیق‌تری برای سنجش میزان درستی یا نادرستی سیاست‌های اقتصادی آن دوره است.

در این پژوهش الگوی حکمرانی خوب که یکی از متأخرترین الگوهای جهانی حکومت‌داری است به‌عنوان معیار انتخاب شده است و شاخص‌های دوره ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ با شاخص‌های جدید و دقیق این الگو سنجیده می‌شود.

۱-۴ سؤال‌های اساسی تحقیق

۱- آیا شاخص‌های توسعه اقتصادی ایران در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ مطابق با شاخص‌های نظریه حکمرانی خوب بهبود یافته است؟

- آیا حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

- آیا ثبات سیاسی و عدم خشونت در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

- آیا اثر بخشی دولت در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

- آیا کیفیت مقررات تنظیمی در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

- آیا حاکمیت قانون در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

- آیا مبارزه با فساد در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ بهبود یافته است؟

۱-۵ مفاهیم و متغیرهای تحقیق

تحلیل اطلاعات به‌دست آمده و بررسی شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی دوره ۱۳۳۰-۱۳۳۲ از

منظر ۶ شاخص الگوی حکمرانی خوب به صورت کیفی انجام می‌شود. این شاخص‌ها عبارتند از:

۱-۵-۱ حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی

که در آن موارد ذیل بررسی شده است: میزان نمایندگی حاکمان از طبقات اجتماعی، قدرت

صاحبان کسب و کار برای بیان نظراتشان در هنگام تغییر قوانین، میزان اطلاع صاحبان کسب و کار از تغییر

قوانین و رویه‌ها، توزیع برابر فرصت‌ها، آزادی‌های مدنی و مذهبی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی و آزادی مطبوعات و انتشارات در قانون و در عمل.

۱-۵-۲ ثبات سیاسی و عدم خشونت

که در آن به این موارد پرداخته می‌شود: آشوب‌های شهری، کودتا، ترورها و اعدام‌های سیاسی، ناآرامی‌های سیاسی، انتقال آرام عالی‌ترین رتبه سیاسی، احتمال تغییرات شدید در نهادها، نزاع‌های اجتماعی مانند اعتصاب، تنش‌های قومی، قطبی شدن طیف‌های سیاسی، قومی، زبان و مذهبی و تدابیر قهری برای مهار قدرت.

۱-۵-۳ اثربخشی دولت

شامل: سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت کارکنان دولت، توانایی دولت در انجام برنامه‌های خود، استقلال استخدام کشوری از فشارهای سیاسی، کارایی گمرکات، کیفیت خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، مخابرات و راه‌ها، پیش‌بینی‌پذیری قوانین و آیین‌نامه‌ها و میزان تعهد دولت به برنامه‌های دولت قبلی.

۱-۵-۴ کیفیت مقررات تنظیمی

شامل: مداخله دولت در اقتصاد، کنترل قیمت و دستمزد، مداخله دولت در نظام مالی، مقررات دست‌وپاگیر صادرات و واردات، محدودیت‌های دولتی برای تأسیس بنگاه‌های جدید، سیاست‌های رقابتی و اثربخشی سیاست‌های ضد انحصار، موانع ورود به بخش بانکی و مقررات دست‌وپاگیر برای تبدیل ارز.

۱-۵-۵ حاکمیت قانون

شامل: اعتماد بخش خصوصی به نظام قضایی و میزان فرار از مالیات، استقلال نظام قضایی از سایر قوا و از نزاع‌های سیاسی و جناحی، اجرای قراردادهای خصوصی و دولتی و تحقق‌پذیری و اجرای قراردادها.

۱-۵-۶ مبارزه با فساد

شامل: فساد در میان مقامات رسمی و اثربخشی تدابیر ضد فساد، فراوانی فساد در مقامات عمومی، فساد در میان مدیران ارشد، فسادی که مانع فعالیت اقتصادی است و ذهنیت نسبت به فساد